

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۲/۵

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۰/۳/۲۱

صمد سامانیان^۱، محمود میرعزیزی^۲، ابوالفضل صادقیپور فیروزآباد^۳

تأثیر عکاسی معماری بر نقاشی روی کاشی‌های نقش برجسته تالار اصلی کاخ گلستان

چکیده

در دوره قاجار که یکی از مهمترین و پر فراز و نشیب‌ترین دوران حکومتی در ایران است، نقاشی روی کاشی دچار تحولات گسترده‌ای شده است. بخشی از این تحولات که با ورود عکاسی به ایران آغاز می‌گردد، زمینه‌ای را برای تأثیرپذیری از این هنر نوظهور فراهم می‌نماید. کاخ گلستان به‌عنوان مرکز حکومتی شاهان قاجار، جلوه‌گر عالی‌ترین نوع هنرهای این دوره بوده است. هنرمندان سعی می‌کردند زیباترین هنرها را در این مکان به منصفه ظهور برسانند و نمونه عالی این هنرها، هنر کاشی‌کاری و به‌خصوص نقاشی روی کاشی‌های نقش برجسته است که در تالار اصلی این کاخ قابل مشاهده است. هدف این مقاله یافتن تأثیر هنر عکاسی، بر نقاشی روی کاشی‌های نقش برجسته تالار اصلی کاخ گلستان است. در این پژوهش نمونه‌هایی از تصاویر عکاسی شده در دوره قاجار و کاربرد این تصاویر به‌عنوان الگوی طراحی برای هنرمند کاشی‌کار به‌صورت مقایسه‌ای مورد بررسی قرار می‌گیرد. با بررسی تأثیر عکاسی بر کاشی‌های سرسرای تالار اصلی کاخ گلستان چنین برداشت می‌شود که بیشترین تأثیرپذیری از عکس‌هایی با موضوع بناهای تاریخی، مناظر طبیعی و شخصیت‌های قاجاری است. همچنین تأثیر عکاسی به‌عنوان ابزار تبلیغی جدیدی در اختیار دربار قرار گرفته، باعث نفوذ بیشتر شاهان در بین طبقات جامعه گردیده است. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی بوده و شیوه گردآوری منابع به صورت میدانی و کتابخانه‌ای است.

کلیدواژه‌ها: قاجار، کاخ گلستان، تالار اصلی، نقاشی روی کاشی، عکاسی.

۱. استادیار گروه صنایع دستی، دانشکده هنرهای کاربردی، دانشگاه هنر، استان تهران، شهر تهران (نویسنده مسئول)

E-mail: samanians@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد صنایع دستی، استان تهران، شهر تهران

E-mail: tirdad193@yahoo.com

۳. کارشناس ارشد پژوهش هنر، استان تهران، شهر تهران

E-mail: asakasfgm@yahoo.com

۴. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد محمود میرعزیزی به راهنمایی دکتر صمد سامانیان با عنوان «تحلیل ساختاری نقوش کاشی‌های نقش برجسته تالار اصلی کاخ گلستان» است.

مقدمه

اسناد تصویری از جمله اسناد و مدارک ارزشمند و معتبر در حوزه تحقیقات تاریخی طی دو قرن اخیر محسوب می‌شوند که با دقت و ظرافت و با صراحت تمام ابعاد مختلف زندگی اجتماعی بشر و مسائل پیرامون آن را ضبط کرده‌اند، به طوری که گاه یک قطعه عکس و یا سند تصویری می‌تواند به راحتی از مهمترین اسرار و مسائل تاریخی پرده برداشته، محققان را در ارائه دیدگاه‌های مختلف یاری رساند؛ و حتی در بعضی موارد با توجه به تصورات ذهنی محقق از مسائل و شخصیت‌های تاریخی، سوالات و شبهات جدیدی را در ذهن او به وجود آورد که باعث می‌شود محقق با تحقیقات و بررسی‌های بیشتر نظرات دیگری مطرح کند. بنابراین یکی از خصوصیات اسناد تصویری نمایاندن واقعیت‌ها است.

هنر کاشی‌کاری و تزئین آن، هنری زنده و ایرانی است که از دیرباز همواره توانسته است شکوه و عظمت خود را در گذر ایام حفظ نماید، خود را با آداب دین اسلام تطبیق داده و به عنوان هنر ناب اسلامی مطرح گردد. در فراز و نشیب‌های تاریخ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران هنر کاشی‌کاری نیز همچون سایر هنرهای زمانه دستخوش تغییر و تحولاتی گشته است و از جمله مهمترین هنرهای تزئینی به کار رفته در بناهای دوره قاجار، کاشی‌کاری است. این هنر در ادامه سنت گذشته و به تقلید از آن در تکنیک و تزئین، بعدها و با گذشت زمان تحت تأثیر هنرهای مختلف از جمله هنر عکاسی قرار می‌گیرد. نقاشی روی کاشی نیز از جمله موضوعاتی است که در دوره قاجار و در بناهای این دوره رایج است و می‌توان به تأثیرپذیری هنرمندان این عصر از حیث کاربست تکنولوژی عکاسی و موضوعات عکاسی شده در زمینه‌های مختلف مثل بناهای تاریخی، شخصیت‌های سیاسی و مناظر اشاره کرد. تأثیر تصاویر عکاسی شده بر نقاشی‌های روی کاشی را بیشتر می‌توان به صورت موضوعات تاریخی، منظره‌نگاری و دورنما و موضوعات سیاسی و اجتماعی مشاهده نمود که در این میان، بیشترین تأثیرپذیری این گونه نقاشی‌ها از عکاسی، با درون‌مایه تاریخی است. پرسشی که در این مقاله قابل طرح و بررسی است این است که: «هنر عکاسی چه تأثیرات مهمی بر نقاشی روی کاشی‌های کاخ گلستان داشته است و در چه زمینه‌ها و موضوعاتی محسوس است؟»

عکاسی در دوره قاجار

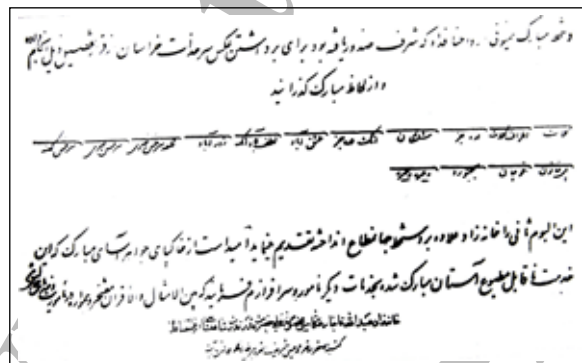
تاریخ عکاسی در ایران تقریباً پیشینه‌ای همپای ظهور این پدیده در جهان دارد. نخستین دستگاه‌های عکاسی به روش داگرتیپ [۱] به درخواست محمد شاه قاجار از کشورهای روسیه و انگلیس به دربار ایران وارد شد و اولین عکس در تاریخ ایران در سال ۱۲۵۸ ه.ق. به ثبت رسید (طهماسب‌پور، ۱۳۸۷، ۲). بعدها ناصرالدین شاه که خود اهل ذوق و هنر بود، به عکاسی علاقه‌مند گردید و بر توسعه این فعالیت در درون دربار همت گماشت. همچنین وی با تأسیس عکاس‌خانه کاخ گلستان و نیز تشویق و حمایت عکاسان توانست تصاویر و یا به عبارتی اسناد هنری و تاریخی گرانبهایی از ایران آن روز را ثبت نماید (افشار مهاجر، ۱۳۸۴، ۱۸). پیدایش عکاسی که خود بیش از نقاشی نشانگر زندگی روزانه مردم آن زمان بود و به‌ویژه تأثیر این صنعت در هنر نقاشی، همه کمابیش مربوط به همین دوره و مقارن با سلطنت پنجاه ساله ناصرالدین شاه است (پاکباز، ۱۳۸۵، ۱۸۵) که این زمان را باید دوره شکوفایی عکاسی در دوران قاجار دانست. سیر پیدایی و تحول این پدیده در ایران که با حمایت خاص شخص ناصرالدین شاه همراه بوده

است، موجب رشد، ترقی و توسعه این فن و هنر در سال‌های آغازین خود در ایران شده است. «... [ناصرالدین شاه] از برای انتشار و پیشرفت در این علم، یکی از عمارات مخصوص پادشاهی را مخصوص عکاس‌خانه مبارکه فرموده و گاهی که از کارها فراغت حاصل می‌فرمودند، برای تماشا و ترقی این عمل به آنجا تشریف می‌بردند...» (ذکاء، ۱۳۷۶، ۴۷). اعتمادالسلطنه در کتابش به نام مرات البلدان به این علاقه ناصرالدین شاه اشاره کرده و می‌نویسد: «چون خاطر خطیر همایون به رواج و ترقی این علم تعلق گرفت و ... بر آن شدند که یکی از چاکرهای دربار ... نیز در این فن مهارتی تمام باید که سفرأ و حضراً به موجب امر قدر ملوکانه آشنا و غریبه و ابنیه و آثار قدیم را عکس‌برداری و خاطر مبارک همایون را در اوقات فراغت بدان مشغول سازد ... و از برای انتشار این علم و وسعت در این عمل یکی از عمارات مخصوص پادشاهی را مخصوص عکاس‌خانه مبارکه فرمود.» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، ۱۶۸). با بررسی اسناد و مدارک به‌جای مانده از دوره قاجار مشخص می‌شود که هنر عکاسی به محض ورود به ایران بسیار مورد توجه طبقه حاکم قرار گرفته تا آنجا که حتی ناصرالدین شاه قاجار به خاطر علاقه‌ای که به هنر عکس و عکاسی داشته است، خود دوربین به دست گرفته و عکس‌های ارزشمندی از اوضاع و احوال دربار و دیگر مسائل پیرامون آن به یادگار گذاشته است. بسیاری از عکس‌هایی که ایشان انداخته، هم اکنون در میان آلبوم‌های سلطنتی موجود است و در حاشیه بسیاری از آن‌ها یادداشت‌هایی به خط وی دیده می‌شود. همچنین از شدت علاقه شاه به این هنر، منصب «عکاس‌باشی» [۲] نیز در دربار ایجاد شد (صادقیان، ۱۳۸۳، ۱۱۴). حمایت ناصرالدین شاه از عکاسی در ایران موجب رشد و گسترش زمینه‌های گوناگون این فن و هنر در سال‌های آغازین پیدایش آن شده است. برخی از این زمینه‌ها عبارتند از: ۱- زمینه پیدایش و رشد و گسترش عکاسی مستند و گزارش‌های تصویری از سراسر ایران، مثل بناهای تاریخی، مناظر طبیعی، شخصیت‌های سیاسی و غیره، ۲- پایه‌گذاری نوشتن شرح بر عکس‌ها، ۳- ایجاد عکاس‌خانه به‌عنوان اداره‌ای رسمی در دربار و غیره (طهماسب‌پور، ۱۳۸۱، ۳۸، ۴۰، ۴۷).

همچنین تأسیس دارالفنون [۳] در سال ۱۲۷۸ ه.ق. و استخدام استادان اروپایی در گسترش تولیدات هنری به شیوه اروپایی بسیار مؤثر بوده و با ورود عکاسی در دوره ناصرالدین شاه، نفوذ مدرنیته در ایران سرعت بیشتری یافت (افشار مهاجر، ۱۳۸۴، ۱۴۶). در ادامه، عکاسی امکانات گسترده‌ای را برای تصویرگری در اختیار همگان قرار داده بود و افزون بر اینها تحولات موجود در عصر قاجار در زمینه تفکر انسان محوری در گسترش و توسعه این هنر در بین توده مردم ایران مورد توجه قرار می‌گرفت. بنابراین انحصار عکاسی اندک اندک با گسترش این پدیده در میان طبقات گوناگون جامعه، از دربار پادشاهان بزرگ رخت بر می‌بندد و هر شخص در هر منزلت اجتماعی می‌توانست روایتگر تاریخ تصویری خود باشد (ذکاء، ۱۳۷۶).

رواج عکاسی در دوره قاجار، آموزش عکاسی، پشتیبانی از این هنر و نشر مبانی دانش فنی و نظری عکاسی، سفرها و تفریحات شاهانه، سیاست، مذهب، مراسم و آیین‌ها، هنر و معماری و غیره باعث کشف قابلیت‌های سودمند و کاربردی آن در آن زمان بوده که با توجه و با به‌کارگیری جنبه‌های گوناگون این فن، پایه‌گذار بسیاری از شاخصه‌های کاربردی عکاسی در ایران می‌شود. از آن جمله می‌توان به تأثیر عکاسی در زمینه طراحی و نقاشی روی کاشی با بهره‌گیری از موضوعات موجود عکاسی اشاره کرد که شامل مضامین مختلف و گزارش‌های تصویری در زمینه‌های مختلف فرهنگ قاجار یا قبل از قاجار می‌شود (طهماسب‌پور، ۱۳۸۷، ۶۲). ناصرالدین

شاه به عکاسی از طبیعت و منظره علاقه‌مند بوده، و برای اثبات این مدعا می‌توان از سفر او به خراسان و از مراحل مختلف سفر و مناظر و بناهای مختلف تاریخی که توسط عکاس دربار یعنی آقا رضا عکاس‌باشی [۴] تهیه شده است، اشاره نمود. به‌طوری که این عکس‌ها بعدها مورد استفاده نقاشان کاشی‌کار و مصوران دربار قرار گرفت (افشار مهاجر، ۱۳۸۴، ۱۴۶). افزون بر علاقه ناصرالدین شاه به عکاسی، اهتمام او در جستجوی دفینه‌های باستانی و تهیه عکس‌هایی از مکان‌ها و مناظر غیرعادی را نیز نباید از نظر دور داشت. نمونه آلبوم‌هایی که به عکس‌برداری از آثار و بناهای تاریخی اختصاص یافته‌اند، در میان مجموعه آثار آلبوم‌خانه کاخ گلستان زیاد دیده می‌شود که بیشتر آنها دارای عکس‌هایی هستند که در هنگام سفرهای ناصرالدین شاه به نواحی گوناگون کشور ایران تهیه شده‌اند و در آنها عکس‌هایی از کاخها، مساجد، کاروانسراها، مقابر و شهرهایی که پیشینه تاریخی داشتند تهیه و با شرحی کوتاه یا طولانی همراه شده است (سمسار، ۱۳۸۲، ۸). عکس‌برداری از آثار تاریخی، مناظر و غیره در دوره مظفرالدین شاه نیز دنبال شده است. اما در دوره مظفرالدین شاه تمایل شخصی خود عکاسان به عکس‌برداری از آثار باستانی بیشتر شده و این امر الزاماً طبق دستور شاه و یا دربار سلطنتی نبوده است (طهماسب‌پور، ۱۳۸۱، ۱۲۳). (شکلهای ۱ و ۲)



شکل ۱. شرح انجام مأموریت عکس‌برداری از نواحی خراسان توسط عبدالله قاجار [۵]، سال ۱۳۰۸ ه. ق.، منبع: آلبوم‌خانه کاخ گلستان، آلبوم شماره ۲۴۰



شکل ۲. شرح انجام مأموریت عکاسی از نواحی گرگان، استرآباد، و غیره توسط عبدالله قاجار، ۱۳۰۷ ه. ق.، منبع: طهماسب‌پور، ۱۳۸۱، ۷۶

شیوه ترسیم از روی عکس در دوره ناصری و بعدتر پس از ورود عکاسی به ایران بسیار رایج شده بود و همین شیوه در تصویرسازی برخی کتب دوره ناصرالدین شاه همانند تصویرسازی روزنامه‌های آن دوره به کار رفت. با رواج عکاسی در ایران، تصویرپردازی چاپی مطلوبی پا گرفت. هنرمندان به جای مداد رسامی، از مداد تخت طراحی استفاده می‌کردند. این کار به آنها فرصت داد تا سایه روشن را ایجاد کرده و چهره را همسان عکس در آورند (فلور و دیگران، ۱۳۸۱، ۲۱۶).

در جلد دوم مرآت البلدان که به تاریخ ۱۲۹۵ ه.ق به چاپ رسیده، علاوه بر تصویرسازی اشخاص، تصاویر اماکن تاریخی و مذهبی نیز از روی عکس‌ها تهیه می‌شد. تصویر ایوان و صحن مسجد سمنان و نمای شهر یکی از تصاویر موجود در کتاب سفرنامه ناصرالدین شاه قاجار به خراسان می‌باشد که توسط ابوتراب غفاری از روی یکی از عکس‌های عبدالله قاجار عکاس دربار ناصرالدین شاه طراحی شده است (شکل ۳) (مراثی، ۱۳۸۵، ۷۹).



شکل ۳. اثر چاپ سنگی از ایوان و صحن مسجد سمنان و نمای شهر، عکاس: ابوتراب غفاری، منبع: مراثی، ۱۳۸۵، ۷۹

نقاشی روی کاشی در دوره قاجار

مهمترین خصوصیات کاشی‌های دوره قاجار تنوع رنگ، نقوش و کاربردهای مختلف کاشی زیر لعابی در این دوره است (Fehervari, 2000, 232). نقاشی روی کاشی در دوره قاجار و در ادامه سنت‌های گذشته و به تقلید از آن صورت می‌گیرد. این نوع نقاشی در بهره‌گیری از موضوعات یاد شده به علاوه با تأثیرپذیری از هنرهای نوپا و نوظهور آن زمان همچون عکاسی، چاپ سنگی [۶] وارد مرحله جدیدی می‌گردد که تصاویر برگرفته از این هنرها تبدیل به موضوعی جهت خلق اثر توسط هنرمند کاشی‌کار در دوره قاجار گشته است، و نمونه‌هایی از این کاشی‌ها به صورت ازاره در سرسرای تالار اصلی کاخ گلستان دیده می‌شود. شیوه کاشی قاجاری ابداع سبکی با تنوع خاص است که منجر به جاودانه ساختن ابعاد گوناگون هویت ایرانی اعم از ملی، فرهنگی، دینی، مذهبی و رجال‌شناسی گردیده است. در واقع، به طور کلی نقش هنر در جاودانه ساختن هویت ایرانی را برای ما بازگو می‌کند. کاشی‌های بخش سرسرای تالار اصلی کاخ گلستان از لحاظ شیوه‌های اجرایی نقوش، قاب‌های در برگیرنده و شکل بدنه کاشی و همچنین مضامین نقوش در مقایسه با سایر بخش‌های کاشی‌کاری کاخ گلستان دارای بیشترین هستند. در شیوه اجرایی نقوش این کاشی‌ها (کاشی‌های بخش تالار سرسرا) علاوه بر حالت نقاشی، طراحی و با رنگ‌های محدود و رنگ غالب آبی نیز کار شده است. در همین راستا ورود دستاوردهای جدید تمدن غرب

نظیر صنعت چاپ سنگی و فن عکاسی و عکس نیز تأثیرات بسزایی در نقاشی کاشی این مجموعه داشته است. کاشی‌هایی با رقم «مصطفی» [۷] در سال ۱۳۰۴ ه.ق. و «سید محمد رضا» [۸] در سال ۱۳۱۶ ه.ق. در سرسرای تالار اصلی کاخ گلستان دیده می‌شود و رویکرد اصلی این تصاویر، چه در ارائه پیکره‌ها و ترکیب‌بندی، حال و هوای دوره قاجاری است. طرح‌های به‌کار رفته در کاشی‌ها شامل مناظری از بناهای تاریخی و مناظری طبیعی از مناطق مختلف ایران، تصاویر انسانی، نقوش گیاهی و غیره می‌باشد (Porter, 1995, 81).

در دوره قاجار نقاشان روی کاشی در شهرهای مختلف ایران از جمله از معروف‌ترین این شهرها نظیر کرمانشاه، شیراز، تهران و اصفهان مشغول فعالیت هنری بودند. «تهران، مرکز و پایتخت ایران، بعد از رواج نهضت نقاشی روی کاشی در عصر ناصری بسیار کاشی‌نگاران و نقاشان را از گوشه و کنار ایران به خود جذب می‌کند. توانمندترین نقاشان و کاشی‌نگاران و هنرمندان چیره‌دست شهرهای شیراز و اصفهان را نیز ناگزیر به هجرت از زادگاه و اقامت در تهران می‌نماید. در این میان اگر سوابق درخشان شهری نیز به انکار نیاید، تهران تنها به‌عنوان مرکزی به‌شمار می‌رود در تجمع این هنرمندان و نه شهری با پیشینه در روند هنرآفرینی گذشته‌های دور» (سیف، ۱۳۷۶، ۵۴). همچنین هادی سیف از قول آندره گدار می‌نویسد: «با تهیه و تدارک قالب‌های برجسته در خیابان باب همایون برای اولین بار هنرمندان کاشی‌کار گامی تازه در عرضه کاشی‌های نقش‌برجسته بر می‌دارند» (سیف، ۱۳۷۶، ۴۶).

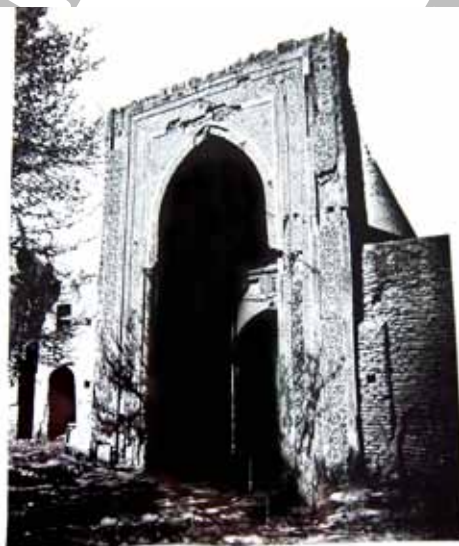
تأثیر عکاسی بر نقاشی روی کاشی دوره قاجار

عکس‌ها از جمله اسناد مهم در تحقیقات تاریخی به‌شمار می‌روند. با ورود عکاسی به ایران پس از چندی تأثیرات این هنر بر سایر هنرها از جمله نقاشی، طراحی فرش و نقاشی روی کاشی مشاهده می‌شود؛ به‌طوری‌که هنرمندان نقاش به تأثیر از نمونه‌های عکاسی موجود تابلوهای نقاشی را به تصویر کشیده، و یا هنرمندان کاشی‌کار در خلق تصاویر و مضامین بر روی کاشی‌ها تحت تأثیر نمونه‌های عکاسی بودند. از طرفی عکاسی در دوره قاجار تغییراتی در عملکرد کاشی‌ها به‌وجود آورد، به‌گونه‌ای که کاشی صرفاً جنبه تزئینی به خود می‌گیرد. از تأثیرات دیگر عکاسی بر نقاشی روی کاشی ایجاد تغییراتی در طرح و نقش کاشی‌ها است. نقاشان کاشی‌های کاخ گلستان در تکنیک و موضوعات مورد استفاده‌شان محدود نبوده، در چنین مجلسی به تقلید از راه و رسم تصویرگران نسخه‌های چاپ سنگی مشغول شدند. گاهی حتی قطعه عکسی از آلبوم‌های سلطنتی بیرون می‌آمده و سرمشق نقاش کاشی‌کار می‌شده است (سیف، ۱۳۷۶). عکاسی در این دوره تغییراتی را در عملکرد کاشی‌ها به‌وجود آورد، به‌گونه‌ای که کاشی از جنبه کاربردی خارج شده و جنبه‌های دیگر به خود می‌گیرد. از تأثیرات دیگر عکاسی بر کاشی‌کاری ایجاد تغییراتی در طرح و نقش کاشی‌ها است، به‌طوری‌که باید گفت عکس و عکاسی موجب شد تا موضوعات تازه‌ای وارد هنرهای تصویری دوره قاجار شود (نکاء، ۱۳۷۶). یکی از موضوعاتی که عکاسان مختلف با توجه به شرایط به‌وجود آمده از آنها عکاسی کرده و عکس‌های ارزشمندی به یادگار گذاشته‌اند، عکس‌های مربوط به بناهای تاریخی است. (شکل‌های ۴ و ۵) همچنین تصاویری وجود دارد که به مناظر طبیعی پرداخته است. (شکل‌های ۶ و ۷) تعداد زیادی از این عکس‌ها در مجموعه عکس‌های عکاسان مربوط به دوره قاجار مخصوصاً دوره ناصری وجود دارد که هم از تنوع خاصی برخوردار است و هم هنر عکاسی را با توجه به شرایط زمانی و مکانی و همچنین گرایش

عکاسان و حامیان آنها نشان می‌دهد. بسیاری از این عکس‌ها در نهایت دقت و ظرافت انداخته شده است. در این کاشی‌ها، بناها و مکان‌های مختلف نقاشی شده است که مختص یک منطقه نیست، بلکه سراسر ایران را شامل می‌شود. نقش روی این کاشی‌ها از مکان‌های مختلف ایران از تهران گرفته تا مازندران، سمنان و خراسان و حتی نقش چند مکان غیرایرانی مانند اهرام مصر، منظره شهر بادن بادن آلمان و برج خیالی بابل را نیز دربر می‌گیرد. تصویر این کاشی‌ها بسیار متأثر از عکاسی دوره قاجار است، خصوصاً اینکه برخی از این بناها عیناً از روی عکس مربوطه از همان بنا نقاشی شده که تمامی این عکس‌ها در آلبوم‌خانه کاخ گلستان موجود است.



شکل ۶. کاشی نقش برجسته با تصویر رود گرگان در استرآباد ۱۳۱۶ ه. ق. منبع: نگارندگان، برگرفته از سرسرای موزه اصلی کاخ گلستان



شکل ۵. (به نقل از زیرنویس عکس) ایوان شرقی امامزاده محمد بسطام که دارای دالانی است که وارد صحن امام زاده می‌شود، عکاس‌خانه مدرسه مبارکه دارالفنون، دارالخلافه ناصر خانزاد عبدالله قاجار، سنه ۱۳۱۲ ه. ق. منبع: آلبوم‌خانه کاخ گلستان، آلبوم شماره ۲۹۸، عکس شماره ۴۳



شکل ۷. (به نقل از زیرنویس عکس) دورنمای رود گرگان و پل و دروازه عمارت شاهزاده جهانسوز میرزا امیرتومان در آق قلعه مبارکه است، عکاس‌خانه مدرسه مبارکه دارالفنون، دارالخلافه ناصر خانزاد عبدالله قاجار، منبع: آلبوم‌خانه کاخ گلستان، آلبوم شماره ۲۹۸، عکس شماره ۸۷

از موضوعات دیگری که بعدها به تأثیر از هنر عکاسی توسط هنرمندان کاشی‌کار جهت طراحی کاشی مورد استفاده قرار می‌گیرد، موضوعات مربوط به رجال و شخصیت‌های سیاسی در عصر قاجار است. (شکلهای ۸ و ۹)



عکس مرحوم نواب اشرف‌الاشرف میرزا عباس

شکل ۹. (به نقل از زیرنویس عکس) عکس مرحوم مغفور نواب اشرف والا شاهزاده عباس میرزا، [لازم به ذکر است که این عکس از روی طراحی چهره عباس میرزا گرفته شده است]. منبع: آلبوم‌خانه کاخ گلستان، آلبوم شماره ۴۶۱، عکس شماره ۱۰۲



شکل ۸. کاشی نقش برجسته با تصویر عباس میرزا فرزند فتحعلی شاه قاجار، منبع: نگارندگان، برگرفته از سرسرای موزه اصلی کاخ گلستان

جدول مقایسه‌ای تصاویر عکاسی شده با تصاویر روی کاشی

نام مکان	کاشی نقش برجسته تالار اصلی کاخ گلستان	عکس در دوره قاجار، آلبوم‌خانه کاخ گلستان	توضیحات زیرنویس عکس
میل رادکان	 توضیحات روی کاشی: میل رادکان به سال ۱۳۱۶ هجری		عکاس مخصوص اعلیحضرت شاهنشاهی روحناه فداه. دورنمای میل رادکان این بنا که بزمان دیالمه و سلاجقه نسبت می‌دهند. خانه‌زاد عبدالله قاجار دارالخلافه ناصری. (مأخذ: آلبوم‌خانه کاخ گلستان، آلبوم شماره ۲۴۰، عکس شماره ۶۳)

ادامه جدول مقایسه‌ای تصاویر عکاسی شده با تصاویر روی کاشی

نام مکان	کاشی نقش‌برجسته تالار اصلی کاخ گلستان	عکس در دوره قاجار، آلبوم‌خانه کاخ گلستان	توضیحات زیر نویس عکس
منار مسجد جامع سمنان	 توضیحات روی کاشی: منار مسجد جامع سمنان		عکاسخانه مبارکه دارالفنون (منار در ضلع شمال مسجد جامع سمنان که ارتفاع آن سطح زمین سی ذرعست بنای منار قدیم و شبیه منارهای دامغانست) دارالخلافه ناصری خانزاد عبدالله قاجار، سنه ۱۳۱۲. (مأخذ: آلبوم‌خانه کاخ گلستان، آلبوم شماره ۲۹۸، عکس شماره ۲۱)
نپار یا نفار (استان گلستان)	 توضیحات روی کاشی: نپار حاکم رامیان کتول آباد ۱۳۱۶		عکاسخانه مبارکه دارالفنون، دورنمای نفارخانه علی محمد خان سرتیپ کتولی است که واقع در علی آباد کتول است، دارالخلافه ناصری، خانه‌زاد عبدالله قاجار. (مأخذ: آلبوم‌خانه کاخ گلستان، آلبوم شماره ۲۹۸، عکس شماره ۱۲۶)
چهل دختر در بسطام	 توضیحات روی کاشی: چهل دختر در بسطام جنب مسجد جامع		عکاسخانه مدرسه مبارکه دارالفنون (گنبد مسجد بسطام که معروفست کاشانه بشکل مقبره طغرل که در ریست بنا شده بعلاوه مسقف است) دارالخلافه ناصری خانه‌زاد عبدالله قاجار. (مأخذ: آلبوم‌خانه کاخ گلستان، آلبوم شماره ۲۹۸، عکس شماره ۵۰)
سواحل نهر گرگان و عمارت جهانسوز میرزا	 عمارت جهانسوز میرزا در کنار رودخانه گرگان ۱۳۱۶  توضیحات روی کاشی: عمارت جهانسوز میرزا در استرآباد ساحل نهر گرگان ۱۳۱۶	 	عکس بالا: عکاسخانه مدرسه مبارکه دارالفنون (دورنمای اردوی امیرخان سردار و عمارت شاهزاده جهانسوز میرزا امیرتومان و رود گرگان و از روی عمارت جدید آق قلعه افتاده شده) دارالخلافه ناصری خانه‌زاد عبدالله قاجار. عکس پایین: عکاسخانه مدرسه مبارکه دارالفنون (عمارت واقع در سمت شمال رود گرگان محاذی آق قلعه است که شاهزاده جهانسوز میرزا امیرتومان در ایام حکومتش با استرآباد بنا نموده مربع مستطیل سه مرتبه ساخته شده مرتبه اول و ثانی هریک دارای شش اطاق تودرتو ... از چوب و شبیه بنیادهای مازندران ساخته شده ارتفاع آن تقریباً... و از طرف شرق افتاده شد) دارالخلافه ناصری خانه‌زاد عبدالله قاجار. (مأخذ: آلبوم‌خانه کاخ گلستان، آلبوم شماره ۲۹۸، عکس شماره ۹۱-۶۲)

ادامه جدول مقایسه‌ای تصاویر عکاسی شده با تصاویر روی کاشی

نام مکان	کاشی نقش برجسته تالار اصلی کاخ گلستان	عکس در دوره قاجار، آلبوم‌خانه کاخ گلستان	توضیحات زیرنویس عکس
امامزاده طاهر مطهر نور کجور مازندران- نوشهر	 توضیحات روی کاشی: طاهر مطهر در نور کجور مازندران		امامزاده مطهر در کجور مازندران. (مأخذ: آلبوم‌خانه کاخ گلستان، آلبوم شماره ۲۹۸)
عمارت خورشید	 توضیحات روی کاشی: کیود گنبد کلات ۱۳۱۶		عمارت در دوره قاجار، آلبوم‌خانه کاخ گلستان، عکاس عبدالله قاجار ۱۳۱۱.ق. (مأخذ: آلبوم‌خانه کاخ گلستان، آلبوم شماره ۲۴۰، عکس شماره ۴۰)
عمارت آغامحمدخان در چشمه علی دامغان	 توضیحات روی کاشی: چشمه علی دامغان		عکاسخانه مبارکه دارالفنون (دورنمای سردرب و باغ چشمه علی دامغانست)، خانه‌زاد عبدالله قاجار. (مأخذ: آلبوم‌خانه کاخ گلستان، آلبوم شماره ۲۹۸، عکس شماره ۱۳۴)
کوه دماوند	 توضیحات روی کاشی: کوه دماوند		در یادداشت‌های منتشر نشده ناصرالدین‌شاه ذیل وقایع روز سه‌شنبه غره شوال [۱۳۰۲ قمری]: «امروز پیش از این که مادیان‌ها را بیاورند، میرزا حسینعلی عکاس [عکاس دیگری به‌جز آقارضا] آمد، هوای صاف خوبی بود. کوه دماوند یک لکه ابر نداشت. عکس کوه دماوند را انداخت. خوب گرفت. عکس ما را هم دو شیشه انداخت. عکس اطراف را هم انداخت.» (بدیعی، ۱۳۷۲، ۲۴).
پیر علمدار دامغان	 توضیحات روی کاشی: پیرزاده بسطام		عکاسخانه مدرسه مبارکه دارالفنون (گنبد واقع در سمت مغرب دامغان معروف به پیر علمدار که مقبره یکی از علما است ارتفاع آن تقریباً پانزده ذرع است) دارالخلافه ناصر زاد عبدالله قاجار (مأخذ: آلبوم‌خانه کاخ گلستان، آلبوم شماره ۲۹۸، عکس شماره ۲۸)

ادامه جدول مقایسه‌ای تصاویر عکاسی شده با تصاویر روی کاشی

نام مکان	کاشی نقش برجسته تالار اصلی کاخ گلستان	عکس در دوره قاجار، آلبوم‌خانه کاخ گلستان	توضیحات زیرنویس عکس
آرامگاه لقمان بابا در سرخس	 توضیحات روی کاشی: بنای قدیمی نزدیک سرخس		عکاس مخصوص اعلیحضرت شاهنشاهی روحنا فدا. عکس الغ بابای ناصری که تقریباً نیم فرسخ بالای سرخس و در کنار رودخانه. خانه‌زاد عبدالله قاجار دارالخلافه ناصری ۱۳۱۱. (مأخذ: آلبوم‌خانه کاخ گلستان، آلبوم شماره ۲۴۰، عکس شماره ۱۰)
بقعه ایاز در سرخس (آرامگاه ارسلان جاذب)	 توضیحات روی کاشی: بقعه ایاز در راه سرخس ۱۳۱۶		عکاس مخصوص اعلیحضرت شاهنشاهی روحناه فدا. دورنمای میل و بقعه ایازست در سنگ بست حسام‌السلطنه واقع و شش فرسخست. خانه‌زاد عبدالله قاجار دارالخلافه ناصری. (مأخذ: آلبوم‌خانه کاخ گلستان، آلبوم شماره ۲۴۰، عکس شماره ۲۵)

منبع: نگارندگان، برگرفته از سرسرای موزه اصلی کاخ گلستان

همانطور که قبلاً بیان شد، تأثیر عکاسی ابتدا در هنرهای دیگر مثل نقاشی بوده است که نقاش موضوع نقاشی خود را از تصویر ثبت شده دوربین به عنوان الگو انتخاب می‌کند و در تکنیک و موضوعات مورد استفاده، به تقلید از راه و رسم تصویرگران نسخه‌های چاپ سنگی، مشغول می‌شود. سبک کار هم بیشتر به نقاشی‌های فرنگی نزدیک بود و با سنت‌هایی که استادان کاشی‌کار ایرانی به آن پایبند بودند بسیار فاصله داشت. با گذشت زمان این روش و تکنیک در نقاشی روی کاشی به اوج خود می‌رسد که در نمونه‌های جدول مقایسه‌ای این تأثیرگذاری نشان داده شده است.

با توجه به جریان نوگرایی غربی و همزمانی آن با انقلاب صنعتی اروپا که باعث به وجود آمدن تکنیک‌ها و شیوه‌های جدید هنری در غرب شده بود، تأثیر زیادی در هنر ایران دوره قاجار به خصوص کاشی‌کاری داشته است. چنین به نظر می‌رسد که هنرمند نقاش روی کاشی سخت تحت تأثیر تمایل و علاقه حاکمان قاجار بوده و این علاقه‌مندی در نوع نگاه و تصمیم هنرمند قاجار تأثیر داشته است. به‌طور کلی می‌توان گفت که هنر نقاشی روی کاشی در جاودانه ساختن هویت ایرانی برای حاکمان قاجار اهمیت زیادی داشته است.

نتیجه‌گیری

عکس‌ها از جمله اسناد مهم در تحقیقات تاریخی به شمار می‌روند. می‌توان ادعا کرد که عکاسی در زمینه‌هایی به صورت غیرمستقیم از نقاشی و نقاشی روی کاشی حمایت کرده و دیگر نیازی برای سفر کردن نقاش به جاهای مختلف و تماشای آثار باستانی، معماری و مناظر نبوده است. این فن به نقاشان این اجازه را داد که تصویری از طرح‌های خود را داشته باشند تا سر فرصت در کارگاه یا محل کار خود به خلق اثر خود بپردازند. بی‌شک با بررسی همه‌جانبه عکس‌های باقی‌مانده از دوره قاجار می‌توان برتری ناب بودن زمینه‌های تصویری این هنر را در دوران قاجار دریافت. زیرا تصاویر عکاسان ایرانی در سال‌های نخستین، بدون تقلید بوده و زمینه‌هایی همچون نقاشی غربی و معیارهای زیباشناختی حاکم بر آن وجود نداشته است و این عکاسان تنها با رویارویی مستقیم با موضوعات اقدام به عکسبرداری از آنها می‌کردند. این روش هنری در دوره قاجار را می‌توان نوعی امپرسیونیسم هنر ایرانی نامید، چون امپرسیونیست‌ها نقاشان آزاداندیشی بودند که در پی دریافته‌گری یا نشان دادن دریافت و برداشت مستقیم هنرمند بودند. در بررسی تأثیر عکاسی بر کاشی‌های سرسرای تالار اصلی کاخ گلستان می‌توان چنین اظهار نمود که از بین نمونه‌های عکاسی شده با موضوعات مختلف، بیشترین تأثیرپذیری به ترتیب از عکس‌هایی با موضوعات بناهای تاریخی و مناظر طبیعی و شخصیت‌های قاجاری بوده است. همچنین در این پژوهش مشخص شد که علاوه بر کپی‌برداری اصل تصویر عکاسی شده توسط طراح کاشی‌کار، توضیح و نوشته زیر عکس نیز در کنار تصویر فوق در طراحی کاشی و در کنار تصویر آمده است. با شروع و شیوع عکس و عکاسی در ایران و نفوذ این هنر در گرایش‌های مختلف هنر از جمله کاشی، ابزار تبلیغی جدیدی در اختیار دربار قرار گرفت که واقعی‌تر و سریع‌تر به نیازهای تبلیغی دربار می‌پرداخت و نفوذ شاهان را در بین طبقات جامعه تسری می‌بخشید.

پی‌نوشت‌ها

۱. روش داگروتیپ (Daguerreotype) طریقه‌ای بود که نوردهی به صفحه حساس فلزی داگر - که روی آن ترکیبات نقره وجود داشت - اجرا می‌شد و این روش توسط لویی داگر با همکاری نی‌پس در سال ۱۸۳۹م. اختراع گردید (طهماسب‌پور، ۱۳۸۷، ۱).
۲. لقبی که در دوره قاجار به عکاسان درباری از طرف دربار شاه اطلاق می‌گردید.
۳. مدرسه‌ای که به ابتکار امیرکبیر در زمان ناصرالدین‌شاه برای آموزش علوم و فنون جدید در تهران تأسیس شد (آدمیت، ۱۳۸۵، ۵۴).
۴. نخستین عکاس حرفه‌ای ایرانی آقا رضا فرزند میرزا اسماعیل جدیدالاسلام بود. وی در سال ۱۲۵۹ق. چشم به جهان گشود و در آغاز از غلام بچه‌ها و پیشخدمت‌های شاه، و به جهت داشتن هوش و استعداد طرف توجه بود. آقارضا در ۱۲۸۰ ه.ق. / ۱۸۶۳ م. به لقب «عکاس‌باشی» مفتخر شد. وی بعدها «آجودان مخصوص» و سپس «اقبال‌السلطنه» لقب گرفت (نکاء، ۱۳۷۶، ۴۷).
۵. دومین عکاس مشهور و پرکار ایرانی (بعد از آقا رضا اقبال‌السلطنه) که نمونه عکس‌های برداشته شده توسط او به فراوانی در آلبوم‌خانه کاخ گلستان و در دست خانواده‌ها و اشخاص دیده می‌شود. وی در سال ۱۲۶۶ ه.ق. چشم به جهان گشود و پس از انجام تحصیلات مقدماتی وارد مدرسه دارالفنون شده و فن عکاسی را فرا گرفت. همچنین وی در زمان وزارت علوم علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه با کمک معیرالممالک در حدود سال ۱۲۹۵ ه.ق. به فرنگستان فرستاده شد (نکاء، ۱۳۷۶، ۹۸).
۶. چاپ سنگی یا لیتوگرافی نوعی چاپ مسطح بوده که در آن از سنگ آهک استفاده می‌شده است؛ بدین ترتیب که نوشته یا تصویر را به روی سنگ منتقل می‌کردند و با استفاده از روش‌های شیمیایی آن را برجسته می‌نمودند و سپس این تصویر بارها روی کاغذ چاپ می‌شده است.
۷. محل تولدش مشخص نیست و وفاتش احتمالاً ۱۳۲۰ ه.ق. است. این نقاش و قلمدان‌ساز به شیراز

منسوب بود و بعد از درک کمالات و اندوخته هنری به تهران آمد و در مجمع‌الصنایع ناصری، کارگاه هنری دایر نمود. وی از تصویرگران کتابهای چاپ سنگی دوره ناصری بود که در سال ۱۳۰۸ کتاب شاهنامه را به شیوه طبیعت‌گرایانه مصور کرد. همچنین مصطفی سیاه قلمکار گمنام عصر ناصری بود و اغلب تصاویر کتابهای آن دوران را می‌ساخت. این هنرمند علاوه بر تصویرسازی، تشعیر و تزیین سرلوحه‌های چاپی کتابها را به ظرافت انجام می‌داد. یکی از جالب‌ترین نمونه‌های چاپ سنگی مصور مربوط به یکی از چاپ‌های خمسه نظامی است که در ماه رجب ۱۳۰۱ ه.ق. به چاپ رسیده است. این کتاب گذشته از ۱۲ سرلوح در آغاز و بخش‌ها، ۵ مجلس تصویر دارد که در بیشتر آنها رقم عمل مصطفی دیده می‌شود. این تصاویر رقم‌دار تاریخ‌های ۱۲۹۹ و ۱۳۰۰ ه.ق. را بر خود دارد (نفیسی، ۱۳۳۷).

۸. هادی سیف در تعریف از استاد علیرضا قوللر آغاسی می‌گوید: در توصیف هنر و ذوق او همین بس که در ایام جوانی وارد جرگه کاشی‌نگاران قابل مثل استاد مصطفی کاشی‌نگار و سید محمدرضا نقاش و کاشی‌نگار - که هر دو در کاخ گلستان عمری مشغول نقاشی روی کاشی‌های این کاخ هستند - وارد می‌شود (سیف، ۱۳۷۶، ۴۳).

فهرست منابع

- آدمیت، فریدون (۱۳۸۵) *امیرکبیر و ایران*، چاپ نهم، انتشارات خوارزمی، تهران.
- استاین، دانا (۱۳۶۸) *سراغاز عکاسی در ایران*، ترجمه ابراهیم هاشمی، انتشارات اسپرک، تهران.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۳) *مآثر الاثار*، مصحح ایرج افشار، نشر اساطیر، تهران.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۷) *مرآت البلدان*، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- افشار مهاجر، کامران (۱۳۸۴) *هنرمند ایرانی و مدرنیسم*، دانشگاه هنر، تهران.
- انیسی، علیرضا (۱۳۸۰) *برگزیده عکس‌های آلبوم‌خانه کاخ گلستان*، کاخ گلستان، تهران.
- بدیعی، پرویز (۱۳۷۲) *شهریار جاده‌ها (سفرنامه ناصرالدین شاه)*، انتشارات سازمان اسناد ملی ایران، تهران.
- پاکباز، رویین (۱۳۸۵) *نقاشی ایران (از دیرباز تا امروز)*، انتشارات زرین و سیمین، تهران.
- ذکاء، یحیی (۱۳۷۶) *تاریخ عکس و عکاسان پیشگام ایران*، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- ستاری، محمد (۱۳۸۴) «*آقا رضا اولین عکاس حرفه‌ای پرتره در ایران*»، فصلنامه هنرهای تجسمی، شماره ۲۳.
- سمسار، محمدحسن (۱۳۸۲) *عکس‌های برگزیده عصر قاجار - آلبوم‌خانه*، نشر سازمان میراث فرهنگی، تهران.
- سیف، هادی (۱۳۷۶) *نقاشی روی کاشی*، سروش، تهران.
- صادقیان، نادعلی (۱۳۸۳) «*اسناد تصویری گهرهای فراموش شده*»، گنجینه اسناد، شماره ۵۶، ص ۱۱۴.
- طهماسب‌پور، محمدرضا (۱۳۸۱) *ناصرالدین شاه عکاس*، نشر تاریخ ایران، تهران.
- فلور، ویلم و چلکوفسکی، پیتر و اختیار، مریم (۱۳۸۱) *نقاشی و نقاشان دوره قاجار*، مترجم یعقوب آژند، نشر ایل شاهسون بغدادی، تهران.
- مراثی، محسن (۱۳۷۹) *نقاشان بزرگ و عکاسی*، نشر دانشگاه شاهد، تهران.
- مراثی، محسن (۱۳۸۵) «*سیر تحول مصورسازی کتب و نشریات به شیوه چاپ سنگی*»، فصلنامه نگره، ش. ۳ و ۲، ص ۷۹، بهار و تابستان.
- Fehervari, Geza (2000) *Ceramics of the Islamic World in the Tareq Rajab Museum*, I. B. Tauris & Co. Ltd, London.
- Porter, Venetia (1995) *Islamic Tiles*, Trustees of the British Museum Press, London.